

خاطرات یک مشترک پرمصرف

وزیر نیرو گفته است: «بر اساس قانون مانع زدایی از صنعت برق، تکلیف شده است که قیمت برق افزایش پیدا کند. دولت موظف است دیگر نقشی در تأمین ریالی برق نداشته باشد و مردم باید برق مورد نیاز خود را خریداری کنند. به خصوص پرمصرف ها که باید برق خود را از بازار آزاد و محل تجدید پذیر ها تهیه کنند.» با این تهدید آقای وزیر، سری به دفتر خاطرات یک مشترک پرمصرف زدیم تا ببینیم نظرش در این باره چیست. البته باید بدانیم که مشترک پرمصرف، مجرم نیست، بلکه بیمار است و بهتر است بگوییم سوء مصرف دارد!

روشنه: جکوزی درمانی

لغت این سیم کش محل عقلش نمی رسد که اگر برق رو از روی هوا بکشی بیاری تادر خونه خیلی تابلونه! خب به تونی چیزی بکن، از زیر بیرش، کلی جریمه الکی دادم، فعلا که خاموشی زدیم توی خونه، اودم برم توی اتاق، از ترس قبض، چراغ رو روشن نکردم، پام خورده به پایه تخت، مجبور شدم برم توی جکوزی و یه ساعت ریلکسیشن کنم و پام رو ماساژ بدم، خب اگه همون چراغ رو روشن می کردم، ارزون تر بود یا الان که یه ساعت موتور جکوزی رو روشن کردم؟ واقعا اینا چه تصمیمایی می گیرن!

یکشنبه: فکر بکر

از وقتی گفتن قراره برق رو گرون کنن، کلی نقشه کشیدم، دیدم بهترین راه اینه که یه شیرینی ردییییف به سیم کش محل بدم از تیر برق کوچه علی الحساب یه کابل برامون بندازه تا کار رو جلو ببریم، ببینیم بعد چی می شه، به هر حال نمی شه که چلچراغ و لوستر رو خاموش کنیم، می شه؟ پول دادیم بالا شون.

شنبه: این جا، اون جا

امروز وزیر نیرو گفت باید برق گرون بشه، مگه ارزون بوده؟ شورش رو درآوردن دیگه! هی گرون کن، گرون کن، بسه دیگه، چرا به فکر مردم نیستین؟ الان من و امثال من چه گناهی کردیم که باید واسه این چند باب مغازه و ملک و باغ این قدر پول قبض برق بدیم؟ پول برق را باید بدهیم، پول آب جدا، پول گاز هم هست.

پنجشنبه: ملکه بیت ها

اومدیم باغ، جای هرکی که نیست خالی، واقعا اعصاب برامون نموند این یه هفته از بس مراعات مصرف برق رو کردیم، هی می گن دولت نقشی توی تأمین برق نباید داشته باشه، پس دولت چی کاره است؟ یعنی چی که ما باید خودمون برق بخیریم؟ الان پول قبض این ماینرای من رو کی قراره بده؟ خودم باید بازار آزاد حساب کنم؟ یعنی هم برای کشور ارزآوری کنم، هم پول برقش رو بدم؟ واقعا اینجا دیگه جای موندن نیست، باید رفت، دیگه واجب شد یه سر برم خارج حال و هوام عوض بشه و برگردم.

چهارشنبه: کولر اسپیون

حالا باغ سرده، توی شهر که گرمه هنوز امروز مجبور شدم کولرای گازی شرکت رو روشن کنم، جلسه هم داشتیم، کولرهای اتاق رو هم روشن کردیم، خب نمی شه که لباس خنک تر بپوشیم، تیپ کت و شلوار و ژیل و همه چی رو ست کردیم، اگه پنجره ها رو هم باز کنیم، گرد و خاک می آد و سروصدا کلافه مون می کنه، مجبوریم این جوری مصرف کنیم، می فهمین؟ مجبور.

سه شنبه: باغ بی برقی

بین چطوری گند می زنن به آرامش و آسایش مردم، قراره آخر هفته بریم باغ، یعنی دیگه جرئت نداریم که اون جا هم چراغای وسط باغ رو روشن کنیم، آخه توی باغی که گاز نداره، چطوری خودمون رو گرم کنیم؟ می خواستیم هواساز رو روشن کنیم که از قبضش ترسیدیم، حتی نمی تونیم پمپ استخر رو بزنین، داریم زندگی در شرایط سخت رو تجربه می کنیم، بین به چه روزی انداختن ما رو...

در حاشیه خبرگانی برق



این عدم وابستگی به بودجه انگار چیز خوبییه، ما هم باید بریم توی کارش.

آره بابا یک عمر گفتمی هست، ولی کم است، آخرش کجا رو گرفت؟

کارتون: مجید صالحی

صفحه ۴
۱۲ آبان ۱۴۰۳
شماره ۱۱۸

دو چرخه و سیبیل بابا!



فرهنگ شهروندی
فرهاد ناجی

این دو چرخ بیشتر باعث می شود نگاه شما از بالا به پایین باشد؟ البته لازم است کسانی را که بیش از چهار چرخ دارند، مستثنا کنیم. چون چه بخواهیم و چه نخواهیم، نگاهشان به ما از بالا به پایین خواهد بود. ای دوستان چهار چرخ به بالا، بدانید و آگاه باشید که ما و شما برابر هستیم، اگر چه هجده چرخ ها برابرتر هستند، ولی شما هم جان هر کسی که دوست دارید، هوای ما را داشته باشید.

دو چرخه سواری هنری شگفت انگیز است که به ما اجازه می دهد با دو پا و دو چرخ به دنیای شلوغ و پرهیاهو سفر کنیم. اما در این سفر با چالش های زیادی روبه رو هستیم که گاهی احساس می کنیم باید بایک گروه از ابرقهرمانان به میدان بیاییم. بیایید با دوستان چهار چرخ خود شروع کنیم. ای دوستان چهار چرخ، آیا فکر می کنید داشتن دو چرخ بیشتر نشانه برتری شماست؟ آیا وجود

اکنون روی صحبتیم با دوستان بی چرخ است. ای دوستان بی چرخ، ما شما را مانند خود برابر می بینیم، پس شما هم ما را به دیدیه سرد و گوش نگاه نکنید و کمی عفت کلام داشته باشید. وقتی ما را در پیاده روها می بینید، مطمئن باشید که ما همه تلاشمان را می کنیم که بدون تبدیل کردن شما به سرعت گیر انسانی، از کنارتان رد شویم. پس بدون ترس از اینکه توسط یک به سرد و گوش دو چرخ درو شوید،